

سقط جنین

مشکل سقط جنین عمدی از آنجا بوجود می آید که یک زن که حامله است ، خودش (یا خانواده اش ، یا دیگر اطرافیان ، یا شاید همه این عوامل) نمی خواهند که این نوزاد بدنیا بیاید. در این حالت از راه های مختلف آن زن ، نوزاد خود را سقط می کند که در نتیجه این بچه قبل از تولد می میرد.

آیا مرجع کتاب مقدسی مرتبگی وجود دارد؟

اولین مرجع مسیحیان برای کسب حکمت درباره مسائل اخلاقی ، کتاب مقدس می باشد. کتاب مقدس بروشنی به سه حقیقت در این مورد اشاره می کند که برای ما بسیار با ارزش می باشند.

1- خدا ، خداوند و مالک حیات است. او ما را خلق کرده است نه خود ما! داستان خلقت به ما میگوید که این موضوع حقیقت دارد. و باز حکم قتل مکن بر این نکته تاکید می کند (تثنیه 5 : 17) : "قتل نکن".

سراینده مزامیر نیز به ما می گوید که این حقیقت دارد (مزامیر 49 : 7) :

"هیچ کس نمی تواند تاوان جان خود را بدهد و یا بهای زندگی خود را به خدا بپردازد"

از همه اینها گذشته ، وقتی که یک زوج جوان صاحب بچه می شوند به دیگران چه می گویند؟ "خدا به ما یک بچه داده است!" وقتی آنها این را می گویند ، منظورشان این نیست که خدا مستقیماً این بچه را از آسمان برای آنها فرستاده . آنها بخوبی می دانند که برای اینکه یک بچه متولد شود از نظر بیولوژیکی باید مراحلی پشت سر گذاشته شود.

از طرف دیگر کتاب مقدس یک جنین را یک انسان کامل بحساب می آورد. بهمین دلیل سراینده مزامیر می نویسد

مزور 139: 13-16

^{۱۳} تو تمام اجزای بدنم را ساختی و در رحم مادرم همه آنها را به هم پیوند دادی. ^{۱۴} من تو را میستایم، زیرا مرا به گونهای عجیب ساخته ای، تمام کارهای تو بسیار شگفتانگیز است. من این را با تمام وجود میدانم. ^{۱۵} وقتی استخوانهایم ساخته میشوند و در رحم مادر شکل میگیرم و در نهان رشد میگردم، تو از وجود من آگاه بودی. ^{۱۶} پیش از آن که به وجود بیایم و زندگی را آغاز کنم، روزهای عمرم را در دفتر خود ثبت نمودی.

همینطور ارمیا در (ارمیا 1 : 15) می نویسد:

^۵ «قبل از آنکه به تو هستی بخشم، تو را برگزیدم، و قبل از آنکه به دنیا بیایی، تو را انتخاب کردم...»

همینطور پولس در (غلاطیان 1 : 15) می نویسد:

^{۱۵} اما وقتی خدا که مرا قبل از تولد برگزیده و به وسیله فیض خود مرا دعوت کرده بود، ...

انسان در خلقت خدا

این خداست که ما را آفریده نه خود ما. بعبارت دیگر زندگی ما هدیه ای از طرف خدا است. زیرا او اراده کرد و به ما نعمت حیات بخشیده شد. بنابراین ما باید بعنوان شکر گزاری ، از زندگی خود محافظت نماییم.

از آنجایی که خدا خالق ما است ، به ما این توانایی داده شده که بتوانیم دیگران را از زاویه دید خدا نگاه کنیم. یعنی ما باید دیگران را بعنوان مخلوقات خدا ببینیم بدون توجه به اینکه آن شخص از تعلق اش به خدا آگاه باشد.

2- خدا از ما انتظار دارد تا با دیگران با احترام رفتار کنیم، زیرا او یعنی خدا ، خداوند حیات است. به همین دلیل او قتل را منع می کند(تثنیه 5 : 17) :

"قتل مکن "

بخاطر همین عیسی نه تنها حکم " قتل نکن " را تایید می کند بلکه آنرا سخت تر می سازد و به ما دستور می دهد تا عصبانی نشویم ، و همینطور فرمان می دهد تا بجای بدی به دشمنانمان خوبی بکنیم (متی 5 : 21 ، 5 : 38 ، 5 : 43) :

«شنیدهاید که در قدیم به مردم گفته شد: 'قتل نکن و هرکس مرتکب قتل شود محکوم خواهد شد.

^{۳۸} «شنیدهاید که گفته شده: 'چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان.'!

^{۴۳} «شنیدهاید که: 'همسایهات را دوست بدار و با دشمن خویش دشمنی کن.'!

و حقیقتاً بر روی تپه جلجتا جایی که عیسی بخاطر گناه جهان مرد ، می توان بروشنی دریافت که انسان برای خدا چقدر ارزش دارد(یوحنا 3 : 16- 17)

^{۱۴} زیرا خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هرکه به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود. ^{۱۷} زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد که جهانیان را محکوم نماید بلکه تا آنان را نجات بخشد.

3- زندگی وقتی در ارتباط نزدیک و اطاعت با خدا سپری شود بسیار پر معنی می باشد (مزمور 11 : 16).

^{۱۱} تو راه زندگی را به من نشان خواهی داد. حضور تو، مرا از خوشی لبریز می کند و به من شادی ابدی می بخشد.

در عهد عتیق ما می بینیم که اگرچه ثروت و زندگی طولانی چیزهای با ارزشی هستند ولی ارزش واقعی آنها در این است که بعنوان هدایایی از طرف خدا در نظر گرفته شود (امثال 28 : 6)

انسان بهتر است فقیر و درستکار باشد، از اینکه ثروتمند و فریبکار.

در عهد جدید به ما یاد داده اند که ارزش زندگی انسان ارتباطی به موفقیت و چیزهای دنیوی ندارد. در واقع کسانی که عیسی در "خوشابحال ها " از آنها صحبت می کند ، کسانی هستند که از سوی دنیا رد شده اند.

متی 5 : 3 :

خوشا بحال کسانی که از فقر روحی خود آگاهند زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است.

متی 19 : 21 :

^{۲۱} عیسی به او فرمود: «اگر می خواهی کامل باشی برو، دارایی خود را بفروش و به بیچارگان بده تا برای تو در عالم بالا ثروتی اندوخته شود. آن وقت بیا و از من پیروی کن.»

یعقوب 2 : 1

ای دوستان، ایمان شما به عیسی مسیح، خداوند جلال، با ظاهربینی و تبعیض همراه نباشد.

لوقا 10 : 27

^{۲۷} او جواب داد: «خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام قدرت و تمام ذهن خود دوست بدار و همسایهات را مانند جان خود دوست بدار.»

افسیان 2 : 8-9

زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست. این نجات، نتیجه کارهای شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد.

استدلال هایی که طرفداران سقط جنین می کنند و جواب مسیحیان :

1- "جنین یک انسان کامل نیست"

وقتی ما می پذیریم که جنین یک انسان کامل است، باید حقوقی را که برای یک انسان کامل در نظر می گیریم، در مورد جنین هم رعایت کنیم، بخصوص حق حیات.

ما تا اینجا دیدیم که هم از نظر کتاب مقدس و هم الاهیات مسیحی، خدا از ما می خواهد حق حیات برای جنین حفظ کنیم. و باز ما دریافتیم که این حقیقت، قسمتی از انجیل و مکاشفه عیسی مسیح می باشد. تنها در صورتی که کسی وجود خدا را انکار کند می تواند استدلال کند که می توان حق حیات را برای نوزادانی که متولد نشده اند، در نظر نگرفت. زیرا نوزادی که بدنیا نیامده هنوز یک انسان کامل نیست.

یکی از استدلال های دیگری که در مورد جنین می شود این است که جنین حیاتش متکی به حیات مادرش می باشد، پس بنابراین او یک انسان کامل نیست. ولی نباید فراموش کرد که حتی بچه ای که تازه متولد می شود هم بهمین اندازه به دیگران متکی است و بدون کمک دیگران مسلماً می میرد. حتی یک شخص مریض هم به دیگران متکی است و همینطور افراد سالخورده. و با این وجود ما آنها را از هر نظر یک انسان کامل بحساب می آوریم.

در تمام موارد بالا، هم نوزادانی که متولد نشده اند و هم نوزادانی که متولد شده اند (همینطور افرادی که مریض هستند)، در صورت توجه و مراقبت کافی آنها تبدیل به انسانهای سالم و فعالی می گردند.

2- "بچه ممکن است ناقص یا معلول باشد." در اینجا ما باید بیاد بیاوریم که معیار ارزش گذاری خدا وضعیت جسمی یا

میزان بهره هوشی انسان نیست بلکه معیار او کاری است که مسیح برای ما بر تپه جلجتا انجام داده است. بنابراین ما در موقعیتی نیستیم که در مورد بی ارزش بودن زندگی دیگران قضاوت بکنیم.

یکبار دیگر ما می توانیم در این مورد مقایسه ای بکنیم بین جنینی با این وضعیت و کسانی که دارای معلولیت و یا ناهنجاری های جسمی هستند. که آنها هم مثل انسانهای دیگر تحت حمایت قانون قرار دارند. اگر کسی این افراد را به قتل برساند مجرم تلقی خواهند شد. البته کسی نمی تواند انکار کند که بزرگ کردن یک بچه که دارای معلولیت است کار آسانی نیست.

3- "جمعیت جهان بسیار زیاد است." در این مورد باید گفت که نابودی کردن عده ای از مردم به منظور کم کردن جمعیت

جهان کار بسیار اشتباهی است. منظور این نیست که هیچ راه حلی وجود ندارد. وسایل پیشگیری از بارداری یک راه حل ساده برای حل مشکل زیاد بودن جمعیت می باشد. و حقیقت این است که وقتی آزادی سقط جنین وجود دارد، افراد معمولاً کمتر از وسایل پیشگیری حاملگی استفاده می نمایند.

4- "این بدن من است. من می توانم با آن هر کاری می خواهم انجام دهم." متاسفانه باید گفت، بچه هایی که متولد نشده اند

زائده ای از بدن مادر، مثل انگشت نیستند. در واقع خدا بر طبق اراده نیکویش رابطه ای جدا نشدنی و نزدیک بین مادر و جنین قرار داده است. و انجام سقط جنین سرکشی در مقابل خداوند محسوب می شود.

حیات را انتخاب کنید!

تثنیه 30 : 19 - 20 :

^{۱۹} من آسمان و زمین را شاهد میگیرم که امروز زندگی و مرگ، برکت و لعنت را در برابر شما قرار داده‌ام. پس زندگی را انتخاب کنید تا شما و فرزندانان زنده بمانید. ^{۲۰} خداوند خدایان را دوست بدارید، از او اطاعت کنید و به او وفادار بمانید، زیرا که او وسیله حیات شماست و به شما و فرزندانان در آن سرزمینی که به اجدادتان، ابراهیم، اسحاق و یعقوب وعده فرموده است عمر طولانی خواهد داد.»

یاد آوری کلمات متین عیسی، در اینبار مفید است.

متی 18 : 5 - 7 :

^۵ و کسیکه چنین کودکی را به نام من ببذیرد، مرا پذیرفته است. و سوسه‌های گناه ^۶ «وای به حال کسیکه باعث لغزش یکی از این کوچکان که به من ایمان دارند بشود. برای او بهتر است که سنگ آسیابی به گردنش آویخته شود و در اعماق دریا غرق گردد. ^۷ وای بر دنیا که باعث چنین لغزشهایی میشود! مسلماً لغزشهایی پیش خواهد آمد، اما وای بر کسیکه باعث این لغزشها شود.

کسانی که بطور داوطلبانه به فرزندان کوچکشان آسیب می رسانند، روزی با داوری مهیب خدا روبرو می شوند.

چه کسی نوزادان را خلق می کند؟ خدا.

و اگر بخواهیم از زاویه مثبت به موضوع نگاه کنیم، می بینیم که خدا شخصاً مسئولیت این نوزادانی را که متولد نشده اند را بعهده می گیرد.

مزمور 139 : 13-16 :

تو تمام اجزای بدنم را ساختی و در رحم مادرم همه آنها را را به هم پیوند دادی. من تو را می ستایم، زیرا مرا به گونه ای عجیب ساخته ای، تمام کارهای تو بسیار شگفت انگیز است. من این را با تمام وجودم می دانم. وقتی استخوانهایم ساخته می شدند و در رحم مادر شکل می گرفتم و در نهان رشد می کردم تو از وجود من آگاه بودی. پیش از آن که به وجود بیایم و زندگی را آغاز کنم روزهای عمرم را در دفتر خود ثبت نمودی.

این قاطعانه ترین قسمت کلام خدا درباره توجهات خدا از فرزندانش می باشد. او چقدر در مورد بچه هایی که در رحم مادرشان هستند می داند؟ "او همه چیز را می داند." خدا "مثل یک بافنده زبردست دست ها و پاهای کوچک جنین را به بدن بچه متصل می

کند. او قلب را در جای خود قرار می دهد و بعد آنرا وادار به طپش می سازد. او مواظب است که جنین بتواند انگشت شستش را وارد دهانش کند.

نتیجه گیری نویسنده :

من از تمام این صحبت ها یک نتیجه گیری ساده می کنم: سقط جنین اشتباه است زیرا کشتن نوزادان اشتباه است. این موضوع بسیار ساده و روشن می باشد. من فکر نمی کنم که در یک چهارچوب فکری مسیحی بتوان نتیجه گیری دیگری کرد. حالا ما این حقیقت را می دانیم. پس باید چکار کنیم؟ من می خواهم کلمات دانه را نقل قول کنم که گفت، "گرم ترین جای جهنم برای کسانی در نظر گرفته شده که در هنگام وقوع بحران های اخلاقی، خاموش می مانند." حالا زمان سکوت کردن نیست. حالا زمان این نیست که روی خود را برگردانیم.

در زمانی که کشتن نوزادان نه تنها تحمل می شود بلکه مورد قبول قرار می گیرد، کلیسای عیسی مسیح باید حرف بزند. ما باید بگذاریم صدایمان شنیده شود. ما باید بجای کسانی که نمی توانند صحبت کنند، حرف بزنیم.

در یوحنا 10: 10 عیسی به ما خاطر نشان می کند، "دزد فقط می آید تا بدزدد، بکشد و هلاک کند؛ من آمده ام تا ایشان حیات یابند و آنرا زیادتیر حاصل کنند."

سقط جنین یک گناه غیر قابل بخشش نیست.

سقط گناه است، اما این بدترین گناه و یک گناه غیر قابل بخشش نیست.

رومیان 3: 23: زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند.

این حقیقت شامل همه و از جمله من و شما می شود. چه سقط جنین کرده باشید، چه نکرده باشید. همه ما گناه کرده ایم و از جلال خدا محروم می باشیم.

من می دانم که ممکن است بعضی از کسانی که این درس را مطالعه می کنند، سقط جنین کرده باشند. شما شاید بخواهید بدانید که من چه احساسی نسبت به شما دارم. جواب من این است: ما شما را دوست داریم و خوشحالم که که شما قسمتی از خانواده کلیسایی ما هستید. ما شما را محکوم نمی کنیم.

نهایتا همه ما باید برای توبه به پای صلیب عیسی مسیح بیاییم. زمین جایی که صلیب عیسی بر آن قرار گرفته، هموار است. همه ما به بخشش عیسی مسیح احتیاج داریم. اگر شما بگویید، "من گناه کرده ام" صدای خدا را خواهید شنید که می گوید "من ترا بخشیده ام." مهم نیست که گذشته شما چیست، مهم نیست که شما چکار کرده اید یا در کجا بوده اید. حتی مهم نیست که با چه کسانی همبستر شده اید. شما می توانید بخشش خدا را بدست آورید... همین حالا... در یک لحظه فراموش نشدنی.

اگر شما از احساس تقصیر ناشی از سقط جنین رنج می کشید، من خبر خوبی برای شما دارم. خدا شما را دوست دارد. او در گذشته هرگز محبتش نسبت به شما متوقف نشد و در آینده هم نمی تواند شما را محبت نکند. چراغها روشن است و در خانه پدر باز است. او در مقابل در ایستاده و منتظر شما است تا وارد شوید.